

بِسْمِ تَعَالَى

# محرک‌های سیاست منطقه‌ای ترکیه؛ از اقتصاد تا مسئله سوریه

گزارش راهبردی شماره ۲۲

بهمن ۱۴۰۳



ایراس

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا

The Institute for Iran-Eurasia Studies

ЦЕНТР ПО ИЗУЧЕНИЮ ИРАНА И ЕВРАЗИИ

موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، موسسه‌ای پژوهشی و غیردولتی است که از سال ۱۳۸۳ به عنوان نخستین موسسه پژوهشی تخصصی در حوزه جغرافیایی اوراسیا فعالیت خود را آغاز کرده است. هدف موسسه مطالعه و واکاوی سیاست‌گذاری‌های معطوف به پهنه جغرافیایی اوراسیا است.

#### موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از پارک ساعی،

کوچه شهید عطاالله امینی، پلاک ۲، واحد ۸

کدپستی: ۱۴۳۴۷۳۴۳۶۶

تلفن / دورنگار: ۸۸۷۷۰۵۸۶ - ۸۸۷۹۲۴۹۶

پایگاه اینترنتی: [www.iras.ir](http://www.iras.ir)

## خلاصه اجرایی

- در دو دهه گذشته رهبران ترکیه سیاست‌های متنوعی از سیاست تنش صفر با همسایگان تا تلاش برای احیای امپراتوری عثمانی، از تهاجم‌های نظامی مکرر به سوریه و عراق تا پیگیری سیاست مصالحه و آشتی و از نمایش یک تصویر ضدصهیونیستی تا همکاری‌های اقتصادی گسترده با این رژیم را در کارنامه عملیاتی خود به ثبت رسانده‌اند.
- دگرگونی‌های نسبتاً سریع در سیاست منطقه‌ای آنکارا پیش از هر چیز محصول ادراک رهبران حزب عدالت و توسعه از سه عامل رقابت‌های سیاسی داخلی، روند رشد اقتصادی و شرایط در حال تغییر منطقه‌ای است.
- از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ تا زمان خیزش‌های موسوم به بهار عربی، سیاست منطقه‌ای ترکیه عمدتاً با تأکید بر دیپلماسی همکاری‌جویانه و تلاش‌های فعال برای مشارکت در مسائل منطقه‌ای همراه بود.
- با آغاز تحولات انقلابی در کشورهای عربی ترکیه فرصت را برای تقویت نقش خود به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای مناسب تشخیص داد و به حمایت از جریان‌های اخوانی در کشورهای عربی پرداخت.
- اتخاذ رویکرد مداخله‌جویانه و تقابلی از سوی ترکیه به طور اجتناب‌ناپذیری موجب تنش با سایر قدرت‌های منطقه‌ای شد که اقدامات ترکیه را به عنوان تحرکات ژئوپلیتیکی و حتی دخالت در امور داخلی خودشان تفسیر کردند.
- تشدید بحران اقتصادی داخلی در نخستین سال‌های دهه ۲۰۲۰، عملاً آنکارا را بر آن داشت تا از سیاست‌های تهاجمی و برتری‌جویانه دست بردارد و تلاش‌های مصالحه‌جویانه منطقه‌ای خود را برای جستجوی منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی در اولویت قرار دهد.

- طی یک دوره دوساله تاپیش از آغاز عملیات طوفان‌الاقصى، ترکیه سیاست مصالحه منطقه‌ای را حداقل در پنج جهت عمده – با عربستان، امارات، مصر، اسرائیل و سوریه – به پیش برد.
- تلاش ترکیه برای آشتی با رقبای سابق همچنین در چارچوب گسترده‌تر تلاش‌های آشتی منطقه‌ای در حال انجام، مانند امضای توافقنامه ابراهیم، گفتگوهای در حال ظهور بین عربستان سعودی و اسرائیل، کاهش تنش‌های عربستان و ایران، تلاش‌های آشتی دیپلماتیک بین امارات و ایران، قطر و مصر و همچنین بازگشت سوریه به اتحادیه عرب قابل تحلیل است.
- در میان تمام این ابتکارات، آشتی میان ترکیه و امارات متحده عربی تاکنون با نتایج موفقیت‌آمیزی بیشتری همراه بوده و بیشترین فرصت‌ها را برای دو طرف ایجاد کرده است.
- روند آشتی میان ترکیه و اسرائیل به دلیل امید به کاهش انزوای ترکیه در شرق مدیترانه، بهبود تصویر دولت اردوغان در غرب و کاهش احساسات ضدترکیه در کنگره آمریکا برای اردوغان از اهمیت استراتژیک برخوردار بود.
- مهمترین تأثیر آغاز عملیات طوفان‌الاقصى بر سیاست منطقه‌ای ترکیه متوقف شدن فرایند آشتی با اسرائیل بود.
- با وجود تمایل اردوغان برای تداوم عادی‌سازی روابط با اسرائیل، او به دلیل حمایت از مسئله فلسطین ناگزیر به فاصله گرفتن از این مسیر شده است. این تغییر موضع، تا حد زیادی به دلیل رقابت‌های داخلی و اتخاذ آشکار موضع فلسطینی از سوی رقبای سیاسی‌اش بوده است.
- اگرچه تشدید تنش میان ترکیه و اسرائیل بعد از عملیات طوفان‌الاقصى به شکل بی‌سابقه‌ای به قطع روابط تجاری از سوی ترکیه منجر شد، با این حال، گزارش‌هایی از دور زده شدن این ممنوعیت از سوی تجار ترکیه‌ای وجود دارد.
- از میان تمامی کشورهای خاورمیانه، ترکیه تاکنون بدترین و متضادترین رابطه را با سوریه داشته است.

- طی دو دهه گذشته سياست دولت ترکیه در قبال سوریه نقطه تعیین کننده‌ای در مسیر سياست‌های داخلی و خارجی این کشور بوده است.
- در عرصه سياست خارجی، موضوع سوریه از زمان آغاز تحولات داخلی در این کشور به یک عامل تعیین کننده در روابط ترکیه با کشورهای دیگر تبدیل شده است.
- مهمتر از همه، عملیات ترکیه در سوریه بستری را برای دولت ترکیه برای یک سياست خارجی تهاجمی تر فراهم کرده است.
- موضوع سوریه به ویژه پس از تسلط نیروهای کردی بر مناطقی از شمال سوریه، نقش مهمی در تحولات داخلی ترکیه ایفا کرده و اردوغان از بحران سوریه به عنوان فرصتی برای تضعیف نیروهای کردی در داخل کشور استفاده کرده است.
- مداخلات نظامی ترکیه در سوریه باعث شده تا اردوغان و حزب عدالت و توسعه بتوانند حمایت ملی‌گرایان را جلب کرده و با استفاده از لفاظی‌های ضدکردی، در انتخابات و رفراندوم‌های داخلی پیروز شوند.
- اولویت‌های ترکیه در سوریه تا پیش از سقوط دولت اسد، عملاً بر جلوگیری از پیدایش یک منطقه سیاسی خودمختار کرد در مجاورت خاک ترکیه، توقف موج جدید مهاجرت به ترکیه و احتمالاً بازگرداندن برخی از پناهنجویان سوری به خاک این کشور متمرکز بود.
- تغییر موضع ترکیه در قبال مسئله کردی بدون تغییر در پویایی قدرت داخلی بسیار بعید است. در این زمینه، تضعیف و حذف نهایی خودمختاری سیاسی کردها در سوریه یک اولویت استراتژیک برای ترکیه باقی خواهد ماند.
- در حالیکه در آغاز دهه ۲۰۲۰ مشکلات اقتصادی رهبران ترکیه را وادار کرد تا سياست مصالحه با کشورهای منطقه را در پیش بگیرند، با سقوط دولت اسد در سوریه احتمالاً بلندپروازی‌های آنکارا بهانه و فرصت تازه‌ای برای جولان پیدا خواهد کرد.



- با سقوط دولت اسد در سوریه چشم‌انداز آینده روابط ایران و ترکیه ممکن است با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه شود. یک دیدگاه خوشبینانه این است که احتمالاً هر دو قدرت منطقه‌ای در برخورد با منافع یکدیگر با احتیاط عمل می‌کنند و وضعیت سوریه تغییر بنیادین در مدل‌های روابط ترکیه و ایران به همراه نخواهد داشت.
- برخی نگرانی‌های مشترک در مورد مسئله کردها و نیاز دو کشور به تداوم همکاری‌های اقتصادی از جمله موضوعاتی است که می‌تواند از اهمیت و برجستگی تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع ترکیه بکاهد، اما آینده روابط ایران و ترکیه همچنین به مجموعه گسترده‌تری از عوامل بستگی خواهد داشت که هنوز چندان آشکار نیستند.
- سياست منطقه‌ای ترکیه در دو دهه گذشته به طور کلی با چرخش‌های مداوم از سياست ژئوپلیتیک به سياست ژئواکونومیک، استفاده هم‌زمان از قدرت نرم و سخت و همچنین عمل‌گرایی معطوف به رشد اقتصادی و تضمین امنیت ملی قابل توصیف است.

## محرک‌های سیاست منطقه‌ای ترکیه؛ از اقتصاد تا مسئله سوریه

### مقدمه

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در صدمین سالگرد تأسیس ترکیه جدید، در اکتبر ۲۰۲۲، از چشم‌انداز بلندمدت سیاست خارجی این کشور در قرن دوم تحت عنوان «قرن ترکیه»، به عنوان نقشه راه جامعی که «ترکیه را از سطح تمدن‌های معاصر بالاتر می‌برد»، رونمایی کرد. اردوغان در این سخنرانی با طرح دیدگاه‌های خود درباره نظم جهانی به شکل بلندپروازانه‌ای ادعا کرد که «قرن ترکیه» قرار است نمایانگر تغییرات انقلابی‌ای باشد که دموکراسی، توسعه، صلح و رفاه را برای کل جهان - به‌ویژه برای کشور و منطقه - به ارمغان بیاورد. اگرچه این رونمایی در واقع بخشی از استراتژی تبلیغاتی اردوغان برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۳ به حساب می‌آید، با این حال، حکایت از تداوم برنامه‌های پایان‌ناپذیر او برای ایفای نقش یک قدرت برتر منطقه‌ای و حتی جهانی داشت.

در دو دهه گذشته سیاست خارجی و منطقه‌ای ترکیه تحت رهبری رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه با وجود چرخش‌ها و فراز و نشیب‌های متعددی که داشته است، یکی از مهمترین متغیرهای تعیین‌کننده در تحولات منطقه غرب آسیا بوده است. سیاست‌گذاران حزب عدالت و توسعه در دو دهه گذشته سیاست‌های متنوعی از سیاست تنش صفر با همسایگان تا تلاش برای احیای امپراتوری عثمانی و تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای، از تهاجم‌های نظامی مکرر به سوریه و عراق تا پی‌گیری سیاست مصالحه و آشتی با قدرت‌های منطقه‌ای و از نمایش یک تصویر ضدصهیونیستی تا همکاری‌های اقتصادی گسترده با این رژیم را در کارنامه عملیاتی خود به ثبت رسانده‌اند.

در حالی که در آغاز دهه ۲۰۲۰، مشکلات اقتصادی رهبران ترکیه را وادار کرد تا آرزوهای خود را برای تبدیل شدن به هژمونی منطقه‌ای تعدیل کنند و سیاست مصالحه با عربستان، امارات، مصر و حتی رژیم صهیونیستی و سوریه را در پیش بگیرند، اما با سقوط دولت اسد در سوریه احتمالاً بلندپروازی‌های آنکارا بهانه و فرصت تازه‌ای برای جولان پیدا خواهد کرد.

گزارش حاضر با تأکید بر این ادعا که دگرگونی‌های نسبتاً سریع در سیاست منطقه‌ای آنکارا پیش از هر چیز محصول ادراک رهبران حزب عدالت و توسعه از سه عامل رقابت‌های سیاسی داخلی، روند رشد اقتصادی و شرایط در حال تغییر منطقه‌ای است، تلاش می‌کند تا تأثیر متقابل این سه عامل بر یکدیگر را با هدف رسیدن به ادراکی از سیاست منطقه‌ای ترکیه مورد بررسی قرار دهد. مسئله کردی که از اواخر دهه ۱۹۹۰ با موضوع سوریه پیوند خورده است نیز در کانون مسائل سیاست داخلی و سیاست خارجی ترکیه و به عنوان حلقه پیوند میان آنها عمل کرده است. از آنجا که طبق تقویم انتخاباتی در ترکیه، حداقل تا ۴۰ ماه آینده (احتمالاً ماه می ۲۰۲۷) انتخابات مهمی در این کشور برگزار نخواهد شد، رهبران حزب عدالت و توسعه احتمالاً در سال‌های پیش‌رو با فراغ بال بیشتری تلاش خواهند کرد تا از شرایط منطقه‌ای (ازیک‌سو) و شرایط اقتصادی (از سوی دیگر) برای ارتقای یکی به نفع دیگری استفاده کنند.

### در هم‌تنیدگی اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی

با وجود انتقادهایی که در مورد ساختار سیاسی شبه‌دمکراتیک - شبه‌اقتدارگرای ترکیه مطرح می‌شود، شرایط انتخاباتی در این کشور و نیاز مداوم حزب عدالت و توسعه به آرای مردم پیوستگی آشکاری میان مسائل اقتصادی و سیاست خارجی ترکیه ایجاد کرده است. به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران تداوم قدرت در حزب عدالت و توسعه در دو دهه گذشته مرهون دو مسئله بوده است؛ اول حرکت

حزب در مسیر شکاف‌های باریک هویتی و قطبی‌سازی جامعه بر اساس تقسیم‌بندی محافظه‌کار-سکولار<sup>۱</sup> و دوم موفقیت‌های این حزب در عرصه اقتصادی.

اگر دو دهه گذشته را به عنوان یک روند مداوم در نظر بگیریم، با وجود برخی مشکلات بومی مانند تورم و بحران‌هایی که از عوامل خارجی ناشی می‌شوند (مانند تأثیر بحران مالی جهانی)، اقتصاد ترکیه به طرز چشمگیری رشد کرده است. نرخ سرمایه‌گذاری ترکیه از سال ۲۰۰۲ بیش از ۳۰ درصد بوده است، که به طور قابل توجهی بالاتر از بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا است. همچنین سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی ترکیه بیش از ۳۰ درصد است که در بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا کمتر از ۲۰ درصد است.<sup>۲</sup> در سطح داخلی حزب عدالت و توسعه به طور ماهرانه از مکانیزم‌های توزیعی رسمی و غیررسمی برای حفظ تسلط سیاسی خود استفاده کرده است. سیاست‌هایی مانند افزایش حداقل دستمزد و ارائه خدمات بهداشتی رایگان برای بیکاران یا گروه‌های کم‌درآمد تحت حکومت این حزب گسترش یافت تا حمایت رأی‌دهندگان را تقویت کند. در دوره رشد حزب عدالت و توسعه، پروژه‌های عظیم و ابتکارات عمرانی تحت نظارت متحدان دولت، درآمدهای قابل توجهی ایجاد کرده و حمایت رأی‌دهندگان را تقویت کرد. این موفقیت‌ها در عرصه سیاست داخلی با پیروزی مکرر حزب عدالت و توسعه در انتخابات‌های عمومی و محلی پاسخ داده شد و این حزب به نخستین حزبی تبدیل شد که از آغاز دموکراسی چند حزبی ترکیه در سال ۱۹۴۶، در هشت انتخابات پارلمانی متوالی پیروز شده است.

در اواخر دهه ۲۰۱۰ روند موفقیت‌های سیاسی حزب عدالت و توسعه به دلیل بروز برخی مشکلات اقتصادی و افزایش نرخ ارز و تورم بالا با چالش‌های جدی مواجه شد. افزایش کسری مالی، همراه با چالش‌هایی مانند افزایش بیکاری و تورم فزاینده، تضاد منافع میان رأی‌دهندگان و نخبگان حاکم بر حزب عدالت و توسعه را تشدید کرد و به طور خاص، گروه‌های کم‌درآمد به دلیل افزایش هزینه‌های زندگی و بی‌ثباتی اقتصادی، حمایت خود از حزب را کاهش دادند. در شرایطی که

هزینه‌های زندگی برای گروه‌های کم‌درآمد چالش برانگیز بود، بی‌ثباتی اقتصادی نیز برای کارآفرینان خطرآفرین بود.

در این سال‌ها اردوغان برای افزایش محبوبیت داخلی، سیاست اقتصادی خود را با تکیه بر نرخ‌های بهره پایین و اعتبار ارزان به سمت رشد تغییر داد. این سیاست اگرچه رشد کوتاه مدت را تحریک کرد و از افزایش بیکاری جلوگیری کرد، اما به ذخایر بانک مرکزی برای تثبیت نرخ ارز نیاز داشت که یک استراتژی ناپایدار بود. اتکا به سیاست‌های پولی غیرمتعارف، مانند نرخ بهره پایین در میان تورم بالا، نگرانی‌هایی درباره پایداری بلندمدت ایجاد کرده است. تلاش‌ها برای تثبیت لیر ترکیه ذخایر بانک مرکزی را تخلیه کرده و آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی را افزایش داده است. علاوه بر این، کسری مزمن حساب جاری ترکیه نیازمند اصلاحات ساختاری بود که فراتر از تزریق‌های مالی کوتاه‌مدت از طریق شراکت‌های بین‌المللی قابل دستیابی است. در سطح سیاسی تورم فزاینده و کاهش ارزش لیر به مشکلات حزب در حفظ "ائتلاف برنده" دامن زدند. در نتیجه این رویدادها حزب عدالت و توسعه در انتخابات محلی سال ۲۰۱۹ شهرهای کلیدی را از دست داد و در آستانه انتخابات عمومی ۲۰۲۳ با کاهش محبوبیت در نظرسنجی‌ها روبرو شد و در نهایت به شکست انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در انتخابات محلی مارس ۲۰۲۴ منجر شد.

در سطح منطقه‌ای تشدید بحران اقتصادی داخلی در نخستین سال‌های دهه ۲۰۲۰، عملاً آنکارا را بر آن داشت تا از سیاست‌های تهاجمی و برتری‌جویانه دست بردارد و تلاش‌های خود را برای جستجوی منابع مالی و سرمایه‌گذاری خارجی در اولویت قرار دهد. تقریباً از زمان پایان همه‌گیری کوید ۱۹، نشانه‌هایی از تغییر در رویکرد منطقه‌ای ترکیه ظاهر شد و سیاست آشتی با کشورهای منطقه در دستور کار رهبران حزب عدالت و توسعه قرار گرفت؛ موضوعی که با آغاز عملیات طوفان الاقصی و متعاقب آن تحولات در سوریه ممکن است بار دیگر با دگرگونی‌های تازه‌ای مواجه شود.

## فراز و نشیب‌های سیاست منطقه‌ای ترکیه

سیاست منطقه‌ای ترکیه از آغاز قرن جدید با چرخش‌های مداوم از سیاست ژئوپلیتیک به سیاست ژئواکونومیک قابل توصیف است. از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ تا زمان خیزش‌های موسوم به بهار عربی، سیاست منطقه‌ای ترکیه عمدتاً با تأکید بر دیپلماسی همکاری‌جویانه و تلاش‌های فعال برای مشارکت در مسائل منطقه‌ای همراه بود. در این سال‌ها ترکیه با فاصله گرفتن از سیاست امنیت‌محور دهه ۱۹۹۰، تصویری از ظهور یک «دولت تجاری» را به نمایش گذاشت که می‌توانست پیامدهای مثبتی برای صلح منطقه‌ای داشته باشد. تأکید نخبگان حزب عدالت و توسعه بر روابط اقتصادی به‌عنوان بخشی از سیاست خارجی، بازتابی از فرضیه پس از جنگ سرد بود که لیبرال‌سازی اقتصادی امنیت، ثبات و دموکراسی به ارمغان می‌آورد. مزایای اقتصادی ناشی از بهبود روابط با کشورهای منطقه نیز چارچوبی مبتنی بر منفعت متقابل برای ترکیه و همسایگانش در خاورمیانه و شمال آفریقا ایجاد کرد. از سوی دیگر، در نخستین دهه از آغاز قرن جدید، ترکیه با فاصله گرفتن از سیاست اتکا به روابط فراتلانتیکی و پیروی از منطق آن و دل بستن به تضمین‌های امنیتی ناتو، دستیابی به سطحی از خودمختاری یا استقلال استراتژیک را هدف خود قرار داد و به همین دلیل نیز از همراهی با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ خودداری کرد. بهره‌مندی متقابل کشورهای منطقه و ترکیه از تعامل با یکدیگر با آغاز تحولات انقلابی در کشورهای عربی جای خود را به تردید و بدگمانی داد. با آغاز این تحولات ترکیه فرصت را برای تقویت نقش خود به‌عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای مناسب تشخیص داد و با حمایت از جریان‌های اخوانی در کشورهای عربی، هم‌زمان به ترویج الگویی از حکمرانی در منطقه پرداخت که دموکراتیزاسیون سیاسی داخلی، هویت اسلامی و رشد اقتصادی ترکیه را به عنوان یک نمونه موفق مورد تأکید قرار می‌داد. رهبران ترکیه امیدوار بودند با دخالت موثر در تحولات کشورهای سوریه، مصر و لیبی، عملاً رهبری دگرگونی‌های سیاسی در کشورهای عربی را در اختیار بگیرند.

در دوران پس از ۲۰۱۱ ترکیه شروع به شناسایی تهدیدات بیشتری در منطقه کرد و در نتیجه تمایل بیشتری به استفاده از ابزار نظامی برای مقابله با آن‌ها نشان داد و به بخشی از قطبی شدن منطقه‌ای، هم از نظر مادی و هم از نظر ایده‌ای تبدیل شد. از نظر ژئواستراتژیک، ترکیه خود را در منطقه‌ای می‌دید که با جنگ‌های داخلی، تشدید خشونت‌ها و مداخلات نظامی از سوی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، درگیری‌های چندلایه و پیچیده که در آن دولت‌ها و بازیگران غیر دولتی در انواع مختلفی از ائتلاف‌های متغیر درگیر هستند، مواجه است. این در حالی بود که در دهه اول ۲۰۰۰ ترکیه بیشتر بر فرصت‌ها در این منطقه تمرکز داشت تا تهدیدها، و از طریق قدرت نرم، ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی، میانجیگری و موازنه نرم با خاورمیانه تعامل می‌کرد. در این سال‌ها سیاست منطقه‌ای که توسط حزب حاکم عدالت و توسعه (AKP) دنبال شد، تحت تاثیر فروپاشی فرآیند صلح با کردها (۲۰۱۴-۲۰۱۵) و نگرانی‌های فزاینده در مورد امنیت رژیم، به‌ویژه پس از تلاش برای کودتای نافرجام در جولای ۲۰۱۶ قرار داشت. در این زمینه استفاده مکرر از قدرت نظامی، ریسک‌پذیری و تمایل به «مستقل ایستادن» - که عناصر اصلی «سیاست خارجی جدید» ترکیه به شمار می‌آمدند - به عنوان روش‌های ترجیحی برای حفاظت از منافع ترکیه در خاورمیانه به کار گرفته شده و نقش ترکیه را در برابر شرکا و دشمنان بازتعریف کردند. به عبارت دیگر، دکترین سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در این دوره محصول تغییراتی بود که هم در همسایگی ژئواستراتژیک ترکیه و هم در تغییرات موازی در سطح داخلی در حال رخ دادن بود.<sup>۳</sup>

حرکت به سمت سیاست خارجی تهاجمی و استفاده گسترده از ابزارهای «قدرت سخت»، از جمله توسعه صنایع دفاعی ملی، تنوع‌بخشی به همکاری‌های نظامی-فنی و استفاده از نیروهای نظامی در خارج از مرزهای ترکیه از دیدگاه رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه پاسخی مشروع به افزایش مخاطرات ژئوپلیتیکی و ضرورتی برای تأمین امنیت ملی تلقی می‌شد.<sup>۴</sup>

توسعه صنایع دفاعی ترکیه به‌طور طبیعی کشور را به سمت گسترش قدرت نظامی نه‌تنها در مرزهای خود، بلکه فراتر از آن سوق داد. این تحول به ابزاری برای افزایش نفوذ منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای ترکیه تبدیل شد. در همین راستا، باید به افتتاح پایگاه‌های نظامی در قطر (۲۰۱۵)، سوریه (۲۰۱۶) و سومالی (۲۰۱۷)، عملیات‌های نظامی فرامرزی در سوریه (۲۰۱۶، ۲۰۱۹، ۲۰۲۲) و لیبی (۲۰۱۹)، حضور نظامی طولانی‌مدت در عراق و قبرس شمالی، و همچنین کمک نظامی-فنی فعال به جمهوری آذربایجان در جریان جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ اشاره کرد.<sup>۵</sup>

### پیش از سقوط اسد؛ بازگشت به مصالحه

به لحاظ سیاسی تلاش‌های حزب عدالت و توسعه برای ایفای نقش هژمونیک در منطقه در بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۱ در نهایت با ناکامی‌های زیادی همراه بود. رویکرد مداخله‌جویانه و تقابلی که حاکی از گسترش استراتژیک بیش از حد ترکیه در آسیای غربی و شمال آفریقا بود، به طور اجتناب‌ناپذیری موجب تنش با سایر قدرت‌های منطقه‌ای شد که اقدامات ترکیه را به‌عنوان تحرکات ژئوپلیتیک و حتی دخالت در امور داخلی خودشان تفسیر کردند. چهارچوب ایدئولوژیک اسلام سیاسی و حمایت از اخوان‌المسلمین منجر به ظهور بلوک‌ها و جریان‌های قدرتمند مخالف ترکیه در منطقه شد و عملاً تأثیر مستقیمی بر شرایط اقتصادی در این کشور گذاشت. به لحاظ اقتصادی مشخص شد که یک سیاست خارجی تخصمی و نظامی، جذابیت ترکیه را به عنوان یک مقصد سرمایه‌گذاری باثبات کاهش داده است. عملیات نظامی در خاورمیانه بودجه دولتی را تحت فشار قرار داد و روابط خصمانه با کشورهای منطقه به چشم‌انداز گردشگری و تجاری ترکیه آسیب زد.

سیاست خارجی تهاجمی ترکیه - شامل مداخلات نظامی در سوریه، لیبی، عراق، و مناقشه قره‌باغ - اگرچه تا حدود زیادی از نظر نظامی موفق بود، اما به وضوح توانایی ترکیه در پاسخ به بحران‌هایی مانند زلزله‌های سال ۲۰۲۳ را تحت تأثیر قرار داد و همچنین منجر به انزوای بین‌المللی فزاینده این

کشور، به ویژه در جهان عرب شد، به گونه‌ای که در سطح دولتی، قطر به عنوان تنها متحد ترکیه باقی ماند. این انزوا به کشورهای شرق مدیترانه نیز گسترش یافته و یک ائتلاف ضدترکی متشکل از یونان و قبرس - دو رقیب دیرینه - به همراه مصر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، و اسرائیل را شکل داد. انزوای ترکیه در شرق مدیترانه به‌ویژه در تلاش‌ها برای مدیریت منابع عظیم گاز طبیعی کشف‌شده در این منطقه مشهود است. در سال ۲۰۲۰، «مجمع گاز مدیترانه شرقی» (EMGF) توسط کشورهای ساحلی به همراه فرانسه و ایتالیا (که شرکت‌های عمده‌ای در بخش گاز طبیعی دارند، یعنی توتال و انی) تأسیس شد. علی‌رغم داشتن طولانی‌ترین خط ساحلی، ترکیه از عضویت در این مجمع محروم شد و این سازمان عملاً به‌عنوان یک ائتلاف ضد ترکیه شناخته شد.<sup>۶</sup>

توافق‌نامه العلا که در ژانویه ۲۰۲۱ با هدف کاهش تنش‌ها میان قطر و کشورهای چهارگانه عربی (عربستان سعودی، امارات، مصر، و بحرین) امضا شد، زنگ خطر را در مورد احتمال انزوای بیشتر ترکیه در منطقه به صدا در آورد و در نتیجه ترکیه را تشویق کرد تا در روابط خود با کشورهای خاورمیانه تجدیدنظر کند و به‌طور راهبردی امکان ائتلاف بین این کشورها علیه ترکیه را تضعیف کند. به عبارت دیگر، چالش‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی ترکیه در آغاز دهه ۲۰۲۰ عملاً سیاست‌گذاران خارجی در این کشور را متقاعد کرد که سیاست منطقه‌ای خود را بازتنظیم کنند و سیاست آشتی با بازیگران منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهند.

تغییر سیاست ترکیه از پیگیری یک سیاست خارجی تهاجمی و تخاصمی به سیاستی که به دنبال آشتی با رقبای سابق است را همچنین می‌توان در چارچوب گسترده‌تر تلاش‌های آشتی منطقه‌ای در حال انجام، مانند امضای توافق‌نامه ابراهیم، گفتگوهای در حال ظهور بین عربستان سعودی و اسرائیل، کاهش تنش‌های عربستان و ایران، تلاش‌های آشتی دیپلماتیک بین امارات و ایران، قطر و مصر و همچنین بازگشت سوریه به اتحادیه عرب درک کرد.

طی یک دوره دوساله تاپیش از آغاز عملیات طوفان الاقصی، ترکیه سیاست مصالحه منطقه‌ای را حداقل در پنج جهت عمده – با عربستان سعودی، امارات، مصر، اسرائیل و سوریه – به پیش برد. اگرچه تمام فرآیندهای آشتی منطقه‌ای به هم مرتبط بودند، اما هر کدام شرایط و اهداف منحصر به فردی را دنبال می‌کردند.

در میان تمام این ابتکارات، آشتی میان ترکیه و امارات متحده عربی تاکنون با نتایج موفقیت‌آمیزی بیشتری همراه بوده و بیشترین فرصت‌ها را برای دو طرف ایجاد کرده است. برخلاف اختلافات ترکیه با سوریه و مصر و حتی عربستان، که اختلافات ایدئولوژیک اغلب به عنوان پوششی برای اختلافات عمیق ژئوپلیتیکی و استراتژیک عمل می‌کرد، تنش‌ها در روابط ترکیه و امارات اساساً ناشی از یک اختلاف ایدئولوژیک بود که دو کشور را در مقابل یکدیگر قرار داد. این شکاف ایدئولوژیک تا حدودی به این دلیل پایان یافت که امارات متحده عربی دیگر از سوی نیروهای قیام‌های عربی، به ویژه اسلام‌گرایان، احساس خطر نمی‌کرد و مهمتر از آن، اردوغان در حمایت از اخوان‌المسلمین انعطاف‌پذیری نشان داد. آشتی با امارات بیشترین پتانسیل برای تبدیل شدن به یک اتحاد مهم را دارد که عمدتاً به دلیل همپوشانی نیازها و انتظارات دو کشور است. طی سه سال گذشته هر دو کشور نه تنها به خصومت‌ها پایان دادند، بلکه همکاری در زمینه‌های کلیدی را نیز آغاز کردند. با توجه به مازاد نقدی امارات متحده عربی و نیازهای مالی ترکیه – در کنار جاه‌طلبی‌های امنیتی مربوطه آنها – فضای قابل توجهی برای توسعه روابط دوجانبه وجود دارد. اردوغان در ابوظبی با مراسمی باشکوه مورد استقبال قرار گرفت و نتیجه این دیدار در سطح دولتی امضای چندین یادداشت تفاهم و همچنین توافق‌نامه مبادله ارزی به ارزش ۵ میلیارد دلار بود. با وجود اینکه معاملات مبادله‌ای امارات نسبت به قطر و روسیه کوچک‌تر هستند، امارات از طریق راه‌های دیگری از اقتصاد ترکیه حمایت می‌کند. به گفته بلومبرگ، دو بانک اماراتی، بانک تجاری ابوظبی و بانک امارات NBD، ۶۱ درصد از تمامی وام‌های هم‌زمان شده را در نیمه اول سال ۲۰۲۳ ترتیب داده‌اند.

تأمین مالی از سوی امارات برای ترکیه حیاتی است، زیرا وام‌دهندگان غربی به دلیل سیاست‌های اقتصادی غیر متعارف اردوغان به‌طور فزاینده‌ای محتاط شده‌اند.<sup>۷</sup> علاوه بر این، امارات متعهد شد که مجموعاً ۱۰ میلیارد دلار در اقتصاد ترکیه سرمایه‌گذاری کند. این ابتکارات پس از انتخاب مجدد اردوغان در ۲۸ می سرعت بیشتری گرفت. تنها سه روز بعد، امارات موافقت‌نامه جامع مشارکت اقتصادی (CEPA) را که در مارس ۲۰۲۳ امضا شده بود، تصویب کرد. هدف این توافق‌نامه افزایش تجارت دوجانبه به ۴۰ میلیارد دلار است. علاوه بر این، محمد بن زاید اولین رهبر خارجی بود که پس از پیروزی اردوغان در انتخابات به ترکیه سفر کرد. اگرچه همکاری‌های اقتصادی تاکنون مهمترین محور همکاری‌های دو کشور بوده است، اما همکاری‌های دفاعی و امنیتی نیز در حال رشد است و احتمال همگرایی ژئوپلیتیکی نیز وجود دارد. حتی در زمینه‌های اختلاف نظر، مانند موضوع لیبی، میزان این اختلافات به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.<sup>۸</sup>

عربستان سعودی مشخصات اقتصادی و امنیتی مشابهی با امارات متحده عربی دارد و بنابراین به‌طور مشابه نقاط قوت و نیازهای ترکیه را تکمیل می‌کند. با این حال، تلاش‌های آشتی با عربستان به دلیل خصومت شخصی بین رهبران (به ویژه پس از موضوع قتل جمال خاشقچی روزنامه‌نگار منتقد عربستانی در کنسول‌گری عربستان در استانبول) و همچنین رقابت بین دو کشور برای رهبری جهان اسلام کندتر بوده است. اردوغان تنها پس از آن که دادگاه ترکیه‌ای که پرونده قتل جمال خاشقچی را رسیدگی می‌کرد اعلام کرد که این پرونده به عربستان سعودی منتقل خواهد شد، موفق شد به عربستان سفر کند. در تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۲۲، سه هفته پس از این اعلامیه، اردوغان اولین سفر خود به عربستان سعودی از زمان محاصره قطر در سال ۲۰۱۷ را انجام داد. علاوه بر دیدار با ملک سلمان، اردوغان با محمد بن سلمان نیز دیدار کرد که نشان‌دهنده عبور از تنش‌های ناشی از پرونده خاشقچی بود. محمد بن سلمان نیز در ژوئن ۲۰۲۲ به ترکیه سفر کرد. با این حال، برخلاف

روابط با امارات، هیچ توافق مهمی در این سفرهای رسمی بین ترکیه و عربستان سعودی امضا نشد. تنها بعداً – دو ماه قبل از انتخابات ترکیه – عربستان سعودی موافقت کرد که یک سپرده ۵ میلیارد دلاری به بانک مرکزی ترکیه واریز کند. این سپرده به‌عنوان ملموس‌ترین نتیجه آشتی ترکیه و عربستان قبل از انتخابات ترکیه، همراه با لغو ممنوعیت غیررسمی تجارت که عربستان سعودی بر کالاهای ترکیه اعمال کرده بود، باقی ماند. با این حال، از زمان انتخابات، تحولات ملموس‌تری در روابط اقتصادی مشاهده شده است، مانند بازگشت شرکت‌های ساختمانی ترکیه به عربستان و امضای بزرگ‌ترین قرارداد صادرات دفاعی در تاریخ ترکیه میان وزارت دفاع عربستان و شرکت بایکار تکنولوژی ترکیه برای خرید پهپادهای ترکیه‌ای. با این حال، به طور کلی، عربستان سعودی نسبت به امارات متحده عربی در بهبود روابط بسیار کندتر و محتاط‌تر بوده است. این در حالی است که هر دو کشور ویژگی‌هایی دارند که می‌تواند زمینه‌ساز آشتی بیشتر باشد، از جمله تکمیل‌پذیری اقتصادهایشان، اقتصاد با مازاد نقدی عربستان و نیاز به سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای غیرنفتی، نیاز فوری ترکیه به ارز خارجی، تلاش عربستان برای پیدا کردن شرکای امنیتی بیشتر، و تمایل ترکیه برای تبدیل شدن به یک بازیگر امنیتی در منطقه.<sup>۹</sup>

آشتی میان ترکیه و مصر موفقیت‌آمیز بوده و می‌توان آن را عادی‌سازی کامل روابط توصیف کرد. روابط دو کشور پس از آن که ارتش مصر دولت منتخب اخوان المسلمین به رهبری محمد مرسی را سرنگون کرد، تیره شد. سرنگونی دولت مرسی در مصر – که اردوغان نه تنها روابط بسیار صمیمانه‌ای با او داشت، بلکه یک ایدئولوژی مشترک نیز داشت – بزرگترین ضربه به تلاش ترکیه برای هژمونی منطقه‌ای بود. روند آشتی بین دو کشور در اوایل سال ۲۰۲۱ در چارچوب آشتی منطقه‌ای آغاز شد. دو کشور دیگر دشمن نیستند و کانال‌های ارتباطی کامل دیپلماتیک را ایجاد کرده‌اند. با این حال، آنها همچنان در مورد تعدادی از مسائل مهم، به ویژه مواضع متفاوت آنها در مورد لیبی، اختلاف نظر دارند.

## آشتی ناتمام با اسرائیل

روند آشتی میان ترکیه و اسرائیل در چند سال گذشته با فراز و نشیب‌های بیشتری همراه بوده است. مشابه روابط با سوریه و مصر، روابط با اسرائیل نیز ابتدا به واسطه ارتباطات سرویس‌های اطلاعاتی دو کشور بهبود یافت و موفقیت در همکاری اطلاعاتی تلاش‌های دیپلماتیک آشتی را نیز تسهیل کرد. برکناری نتانیاها، که اردوغان با او رابطه‌ای طولانی و خصمانه داشت، در ژوئن ۲۰۲۱ و جایگزینی او با یائیر لاپید، مانع دیگری برای آشتی دیپلماتیک را از میان برداشت. در مارس ۲۰۲۲، رئیس‌جمهور اسرائیل، اسحاق هرتزوغ، از ترکیه بازدید کرد که اولین دیدار سطح بالای دو کشور از سال ۲۰۰۸ بود و او با تشریفات نظامی کامل در کاخ اردوغان مورد استقبال قرار گرفت. تماس‌های بعدی میان نخست‌وزیر یائیر لاپید و اردوغان و همچنین بین وزرای امور خارجه دو کشور، بازدید عمدتاً تشریفاتی هرتزوغ را محکم‌تر کرد. تلاش‌های آشتی نخستین بار در بهار ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳، زمانی که درگیری‌های خشونت‌آمیز میان فلسطینیان و اسرائیلی‌ها در ماه رمضان افزایش پیدا کرد، مورد آزمایش قرار گرفت. در آن زمان ترکیه با مهارت این درگیری‌های خشونت‌آمیز را نادیده گرفت و از انتقاد از اسرائیل خودداری کرد و جدیت خود را در بهبود روابط با اسرائیل نشان داد. در ۱۷ اوت ۲۰۲۲، هر دو کشور اعلام کردند که روابط دیپلماتیک را به طور کامل احیا کرده و سفیران را مبادله کردند. حتی انتخاب مجدد نتانیاها در نوامبر ۲۰۲۲ بر روند آشتی میان دو کشور تأثیری نداشت و اردوغان و نتانیاها در سپتامبر ۲۰۲۳ در نیویورک دیدار کردند.

ترکیه به دلیل آنکه آشتی با اسرائیل برای کاهش انزوای این کشور در شرق مدیترانه یک حرکت استراتژیک محسوب می‌شد، علاقه‌مند به این آشتی بود. آشتی با اسرائیل همچنین برای بهبود تصویر دولت اردوغان در غرب اهمیت داشت. آنکارا به اهمیت حمایت اسرائیل در کاهش مخالفت‌هایی که به دلیل احساسات ضدترکیه‌ای دیرینه در کنگره آمریکا وجود داشت، واقف بود.

علاوه بر این، آشتی با اسرائیل نشانه‌ای مهم از جدیت اردوغان در آغاز دوران جدیدی از سیاست خارجی تلقی می‌شد که بر اساس عمل‌گرایی و اعتدال بیشتر بنا شده است.

آغاز عملیات طوفان‌الاقصى در اکتبر ۲۰۲۳ اگرچه به طور گسترده به عنوان تلاشی برای برهم زدن توافقات ابراهیم و جلوگیری از عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل تلقی می‌شد، اما اولین تأثیر مستقیم این بحران بر روابط ترکیه و اسرائیل بود. بعد از آغاز درگیری‌ها میان اسرائیل و حماس، اردوغان در ابتدا به شکلی محتاطانه از همه طرف‌ها خواست که خویشتن‌داری به خرج دهند. این موضوع نشان‌دهنده تمایل او برای ادامه تلاش‌های مصالحه‌ای بود که یک سال قبل آغاز کرده بود. در طول دو هفته اول درگیری‌ها انتظار می‌رفت که سیاست منطقه‌ای جدید ترکیه و ابتکارات آشتی اردوغان منجر به مدیریت مسئله شود، اما اردوغان در یک تغییر جهت آشکار از حماس حمایت کرد و اظهار داشت که آنها را یک سازمان تروریستی نمی‌داند، بلکه آنها را «جنگجویان آزادی» می‌داند. دو روز بعد، در ۲۸ اکتبر، او یک تظاهرات بزرگ طرفدار فلسطین را ترتیب داد و عملاً به هر شانس برای عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و ترکیه پایان داد. روز بعد، هر دو کشور سفرای خود را فراخواندند و روابط دیپلماتیک تازه برقرار شده خود را از بین بردند. برای ماه‌ها، شبیه به آنچه در دوره‌های قبلی درگیری بین اسرائیل و فلسطین مشاهده شده بود، این اقدامات معتدل و در سطحی بود که اسرائیل می‌توانست مدیریت کند. با این حال، از ماه آوریل ۲۰۲۴، ترکیه اقدامات متعددی انجام داد که نشان‌دهنده تغییر اساسی در روابط دو کشور بود. در ماه آوریل ترکیه صادرات ۵۴ دسته محصولات را به اسرائیل ممنوع کرد، اما مهمترین تصمیم اوایل ماه مه برای توقف کامل تجارت با اسرائیل گرفته شد. این تصمیم که بلافاصله اجرایی شد، در مقایسه با سایر درگیری‌ها در سراسر جهان نیز غیرمعمول به نظر می‌رسید، چه رسد به رفتار ترکیه در قبال اسرائیل و سایر بازیگران. تا آن زمان ترکیه و اسرائیل موفق شده بودند روابط تجاری خود را از بحران‌های سیاسی جدا کنند. در دهه دوم قرن بیست و یکم، اگرچه در روابط ترکیه و اسرائیل «دهه گمشده» تلقی می‌شد، تجارت

بین دو کشور، حتی در مواقع بحرانی، مانند پس از حادثه ماوی مرمره یا پس از به رسمیت شناختن اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل توسط دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، به طور پیوسته افزایش یافته بود. اگرچه حجم تجارت دوجانبه بین دو کشور از رکورد ۸ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۲ به ۵,۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ کاهش یافت، اما حجم تجارت قابل توجه است و ترکیه را در میان پنج صادرکننده بزرگ به اسرائیل قرار می‌دهد.<sup>۱۰</sup> از دیگر اقدامات ترکیه علیه اسرائیل پیوستن به شکایت آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در دادگاه بین‌المللی دادگستری بود که اسرائیل را متهم به نسل‌کشی در غزه می‌کند. علاوه بر این، آنکارا از محکوم کردن حملات ایران علیه اسرائیل در روزهای ۱۳ تا ۱۴ آوریل خودداری کرد، در عوض بیانیه‌ای صادر کرد که بر مسئولیت اسرائیل برای تشدید تنش تاکید می‌کرد.

تصمیم ترکیه برای توقف تجارت با اسرائیل تا حدی با فشارهای داخلی قابل توضیح است. مردم ترکیه با درخواست‌های مکرر مبنی بر پایان دادن به تجارت، عمدتاً طرفدار فلسطین و دشمن اسرائیل هستند. در این شرایط، چهره‌های عمومی و رسانه‌های نزدیک به اپوزیسیون، ریاکاری دولت ترکیه را برجسته کردند که در عین تجارت با اسرائیل، از لفاظی‌های تند علیه این رژیم استفاده می‌کند. نتایج انتخابات محلی در ۳۱ مارس، نقطه‌ای بود که تجارت با اسرائیل به یک موضوع داغ تبدیل شد و هزینه سیاسی آن ظهور و موفقیت حزب رفاه جدید - یک حزب اسلامگرا که رای دهندگان ناامید شده از ریاکاری اردوغان را جذب کرد- بود. در واقع، برخی از پایگاه‌های سنتی حامی اردوغان، حزب او را به دلیل ادامه تجارت با اسرائیل مجازات کردند. این امر باعث انشعاب در اردوگاه محافظه‌کاران ترکیه شد و اپوزیسیون را قادر به پیروزی کرد. بنابراین، موضع سختگیرانه دولت با هدف خاموش کردن برخی از انتقادات و جلب حمایت مجدد رای دهندگان در ادامه مسیر بود. رادیکالیزه شدن رویکرد ترکیه علاوه بر این، بخشی از تلاش‌های آنکارا برای تأثیرگذاری بر روند جنگ در غزه بود. از ابتدای جنگ، دولت ترکیه که در سال‌های اخیر تلاش زیادی کرده است تا

خود را به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای تثبیت کند، تلاش زیادی برای ایفای یک نقش محوری در جنگ به خرج داد. از این نظر، موضع تندتر ترکیه علیه اسرائیل و حمایت بی چون و چرای آن از حماس، تلاشی از سوی ترکیه برای بازتعریف نقش خود به عنوان حامی اصلی حماس و کسب نفوذی بود که تا آن زمان نتوانسته بود به دست بیاورد.<sup>۱۱</sup>

در کوتاه مدت، از دست دادن اسرائیل به عنوان یک شریک تجاری تأثیر منفی بر وضعیت اقتصاد ترکیه خواهد داشت. این امر نه تنها در کاهش تجارت، بلکه به طور غیرمستقیم در کاهش درآمد بنادر ترکیه که از ترانزیت کالاهای اسرائیلی سود می‌برند، مشهود خواهد بود. یا این حال، منتقدان ابراز نگرانی کرده‌اند که ممنوعیت تجارت با اسرائیل در حال دور زدن است. آنها استدلال می‌کنند که کنترل اسرائیل بر گمرکات و پست‌های بازرسی مرزی فلسطین (مناطق تحت اختیار دولت خودگردان فلسطین) به آن امکان می‌دهد کالاهای در نظر گرفته شده برای بازار فلسطین را دریافت کند. با توجه به اینکه همه کالاهای وارد شده به فلسطین مشروط به گمرکات اسرائیل هستند، این نظریه که صادرات به فلسطین به سمت اسرائیل هدایت می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس داده‌های مجمع صادرکنندگان ترکیه TIM، صادرات ترکیه به اسرائیل در ماه سپتامبر ۱۰۰ درصد کاهش یافت و ارزش کالاهای ارسالی به اسرائیل از ۴۶۰,۳ میلیون دلار در سپتامبر ۲۰۲۳ به تنها ۱۲۰۰ دلار در سپتامبر ۲۰۲۴ کاهش یافت. صادرات به اسرائیل نیز از ۴,۰۷ میلیارد دلار در ۹ ماه اول سال ۲۰۲۳ به ۱,۴۱ دلار میلیارد دلار در مدت مشابه در سال ۲۰۲۴ کاهش پیدا کرد. در مقابل، صادرات ترکیه به فلسطین در همین مدت بیش از ۱۰۰۰ درصد افزایش یافته است. تنها در سپتامبر ۲۰۲۴، ترکیه ۱۶۷,۷ میلیون دلار کالا به فلسطین صادر کرد که در مقایسه با ۱۳,۸ میلیون دلار در سپتامبر ۲۰۲۳، ۱۱۱۳ درصد افزایش داشت. صادرات سالانه به فلسطین از ۹۱,۳ میلیون دلار در سال ۲۰۲۳ به ۵۷۱,۲ میلیون دلار در سال ۲۰۲۴ افزایش یافت که ۵۲۵,۸ درصد جهش داشت. داده‌های آگوست ۲۰۲۴ از TIM با افزایش صادرات به فلسطین بیش از ۱,۱۵۰ درصد، الگوی

مشابهی را نشان می‌دهد و این گمانه‌زنی را بیشتر می‌کند که کالاهای ترکیه از طریق سرزمین‌های فلسطینی به اسرائیل منتقل می‌شوند.<sup>۱۲</sup> این افزایش شدید تجارت با فلسطین، به ویژه در بخش‌هایی مانند فولاد، سیمان، نساجی و الکترونیک صورت گرفته است که با زیرساخت‌ها و اقتصاد محدود این منطقه برای جذب چنین مقادیر زیادی از کالاها هماهنگی ندارد. علاوه بر این، صادرات نفت آذربایجان به اسرائیل از طریق بندر جیهان ترکیه نیز همچنان جریان دارد.

بر خلاف تنش‌های قبلی میان ترکیه و اسرائیل، ترکیه این بار تلاش کرده است تا با ایجاد تمایز بین نتانیاهو و اسرائیل، روابط با اسرائیل را حفظ کند. هنگامی که اسرائیل در پاسخ به اظهارات اردوغان کارکنان دیپلماتیک خود را فراخواند، ترکیه از اقدامات تلافی‌جویانه خودداری کرد و به صراحت اعلام کرد که ترکیه به حفظ روابط دیپلماتیک با اسرائیل ادامه خواهد داد.

با این حال، حتی اگر اردوغان امیدوار به ادامه روند آشتی با اسرائیل پس از توقف درگیری‌ها و برکناری احتمالی نتانیاهو باشد، ممکن است این انتظار بیش از حد خوش‌بینانه باشد. هر چرخه آشتی و رویارویی با اسرائیل، مشکلاتی را در خصوص اعتمادسازی ایجاد می‌کند. حتی در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲، زمانی که اردوغان به اسرائیل نزدیک شد، سوءظن‌های قابل توجهی در اسرائیل در مورد نیت‌های او وجود داشت و اسرائیل مدتی برای تصمیم‌گیری تعلل کرد. این سوءظن‌ها درباره تمایل اردوغان برای ازسرگیری تلاش‌های آشتی پس از درگیری و نتانیاهو عمیق‌تر خواهد بود.

## مسئله سوریه در سیاست منطقه‌ای ترکیه

از میان تمامی کشورهای خاورمیانه، ترکیه بدترین و متضادترین رابطه را با سوریه داشته است. طی دو دهه گذشته سیاست دولت ترکیه در قبال سوریه نقطه تعیین‌کننده‌ای در مسیر سیاست‌های

داخلی و خارجی این کشور بوده است. این سیاست در واقع بخشی از سیاست داخلی ترکیه است و در سال‌های پرچالش سیاسی پس از کودتای ۲۰۱۶، به رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه و حزب عدالت و توسعه (AKP) کمک کرد تا در عرصه سیاست داخلی ترکیه قدرت خود را حفظ کنند. اقدامات ترکیه در سوریه با تکیه بر گفتمان و سیاست‌های ملی‌گرایانه، به تضعیف مخالفان سیاسی و گردآوری مردم ترکیه حول نمادها و نشانگان ملی، کمک کرد.

در عرصه سیاست خارجی، موضوع سوریه از زمان آغاز تحولات داخلی در این کشور به یک عامل تعیین‌کننده در روابط ترکیه با کشورهای دیگر تبدیل شده است. این رویکرد به عامل اختلاف برانگیز در روابط بین ترکیه و ایالات متحده تبدیل شده و حمایت آمریکا از نیروهای کرد در سوریه، آنکارا را تا حدی از واشنگتن دور کرده است. مداخله ترکیه در سوریه همچنین محور تجدید نظر استراتژیک در روابط با روسیه بوده است. دولت ترکیه از درخواست پناهجویان سوری برای توجیه دخالت نظامی در سوریه و فشار بر اتحادیه اروپا برای دریافت بودجه و مذاکره مجدد درباره مرزهای دریایی در شرق مدیترانه استفاده کرده است.

مهمتر از همه، عملیات ترکیه در سوریه بستری را برای دولت ترکیه برای یک سیاست خارجی تهاجمی‌تر فراهم کرده است. از سال ۲۰۱۶، آنکارا نیروهای خود را در لیبی مستقر کرده و به شدت به دنبال منافع خود در شرق دریای مدیترانه است. هواپیماهای بدون سرنشین ترکیه نه تنها در سوریه، بلکه در لیبی و قفقاز جنوبی نیز روند درگیری‌ها را تغییر داده‌اند. درس‌های آموخته شده در سوریه، مجموعه‌ای از اقدامات سیاست خارجی ترکیه را با هدف تغییر وضعیت موجود منطقه‌ای و به‌طور گسترده‌تر، ایجاد جهت‌گیری مجدد استراتژیک در سیاست خارجی ترکیه، نشان می‌دهد.

### پیشینه روابط ترکیه و سوریه

ترکیه و سوریه از زمانی که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی به عنوان واحدهای جداگانه تأسیس شدند، با یکدیگر اختلاف داشتند. با این حال، آنها پس از اینکه در سال ۱۹۹۸ به دلیل بحران

حمایت سوریه از جنبش جدایی طلب کرد در ترکیه (پ.ک.ک)، و پناه دادن سوریه به رهبر پ.ک.ک عبدالله اوجالان، در آستانه جنگ قرار گرفتند، در نتیجه توافق آدانا و دست برداشتن سوریه از حمایت پ.ک.ک، توانستند روابط خود را به طور مثبت تغییر دهند. این روابط به ویژه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (AKP) در سال ۲۰۰۲، به یک مشارکت استراتژیک تبدیل شد. امضای توافق‌نامه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۷ و همچنین توافق لغو روادید در سال ۲۰۰۹، موجب گسترش تجارت و رونق گردشگری بین دو کشور گردید و روابط شخصی نزدیک میان خانواده‌های اردوغان و اسد در این سال‌ها، به نمادی از این شراکت تبدیل شد. پیشرفت‌هایی نیز در حل یکی از مسائل مشکل‌زا در روابط دو کشور، یعنی مسئله آب، صورت گرفت. ترکیه و سوریه همکاری در مدیریت منابع آب فرات را آغاز کردند و درباره پروژه احداث سد دوستی در رودخانه عاصی (اورنتس) در مرز ترکیه و سوریه به توافق رسیدند. این توافق‌نامه که چند ماه پیش از آغاز اعتراضات سوریه توسط وزرای خارجه دو کشور امضا شد، نه تنها نشان‌دهنده تعمیق روابط بود، بلکه از نظر سیاسی نیز اهمیت داشت، زیرا به معنای به رسمیت شناختن مرز از سوی سوریه بود.

برای سوریه، روابط با ترکیه در این سال‌ها عمدتاً به معنای پایان دادن به انزوای این کشور در دوره پس از ۲۰۰۳، به‌ویژه پس از ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر پیشین لبنان بود و باعث شد دولت اسد به جای اتکا صرف به ایران، روابط چندجانبه خود را حفظ کند. سوریه انتظار داشت از این رابطه در چارچوب سیاست لیبرال‌سازی اقتصادی کنترل شده که توسط رژیم اسد آغاز شده بود، بهره‌برداری اقتصادی کند.

از سوی دیگر، ترکیه نیز از این روابط سود اقتصادی مشخصی می‌برد. سوریه نه تنها به‌عنوان بازاری دست‌نخورده، بلکه به‌عنوان دروازه‌ای به جهان عرب تلقی می‌شد. علاوه بر این، تعامل با سوریه بخشی از سیاست ترکیه برای ایجاد تعادل نرم در برابر ایالات متحده بود، زیرا ترکیه نسبت به سیاست‌های دولت بوش در عراق و مناطق دیگر نگران بود. در مجموع، برای ترکیه، روابط با سوریه

به‌عنوان الگویی برای سیاست «تنش صفر با همسایگان» دولت حزب عدالت و توسعه تلقی می‌شد و همچنین تاییدی بر ادعای ترکیه به‌عنوان یک قدرت تأثیرگذار منطقه‌ای محسوب می‌شد.

### ترکیه و بحران سوریه

با آغاز بحران سیاسی در سوریه در سال ۲۰۱۱، ترکیه تلاش کرد از نفوذ خود برای ایجاد اصلاحات در سوریه استفاده کند. احمد داوداوغلو، وزیر خارجه وقت ترکیه در سفرهای متعدد به دمشق سعی کرد دولت اسد را به انجام اصلاحات سیاسی متقاعد کند، اما با تشدید اعتراضات، ترکیه با قطع ارتباطات سیاسی با سوریه، نشست‌های اپوزیسیون سوری را سازماندهی کرد و شورای ملی سوریه (SNC) یا دولت انتقالی ملی سوریه را در اوت ۲۰۱۱ در استانبول تأسیس کرد. به طور هم‌زمان، با حمایت ترکیه، ارتش آزاد سوریه در جولای ۲۰۱۱ توسط گروهی از افسران جدا شده از ارتش سوریه تشکیل شد و فرماندهی آن در شهر هاتای ترکیه استقرار پیدا کرد. ترکیه به این گروه اجازه داد تا از خاک آن کشور به عنوان پایگاه عملیات استفاده کند و به لحاظ سیاسی نیز تلاش کرد تا ارتش آزاد سوریه به عنوان یک نیروی مشروع مخالف دولت بشار اسد مورد شناسایی بین‌المللی قرار بگیرد. حد فاصل سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، یعنی تا زمان ظهور داعش در عراق و سوریه، ترکیه به مرکز اصلی حمایت، سازمان‌دهی و تجهیز مخالفان دولت اسد تبدیل شد. ترکیه تصور می‌کرد که سقوط رژیم اسد مانند تونس و مصر سریع خواهد بود و جامعه بین‌المللی مداخله نظامی خواهد کرد، اما این انتظارات برآورده نشد. مسئله زمانی برای ترکیه پیچیده‌تر شد که شکل‌گیری گروه‌های افراطی مذهبی در سوریه مانند جبهه‌النصره عملاً بحران سوریه را به یک جنگ فرقه‌ای تبدیل کردند و هم‌زمان با آن گروه‌های کردی برای حفاظت از خود در برابر گروه‌های افراطی شروع به سازمان‌دهی مجدد و جبهه‌بندی کردند.

موضوع سوریه به‌ویژه پس از تسلط نیروهای کردی بر مناطقی از شمال سوریه، نقش مهمی در تحولات داخلی ترکیه ایفا کرده است. مداخله ترکیه در بحران سوریه از ابتدا به‌ویژه تحت تأثیر

مسئله کردها بوده است. ترکیه ابتدا از وجود PYD (حزب اتحاد دموکراتیک) و YPG به عنوان گروه‌های وابسته به پک‌ک آگاه بود و سعی در مقابله با آنها داشت. پس از سال ۲۰۱۵، ترکیه با افزایش حضور کردهای سوریه در مرزهای خود، به شدت به دنبال سرکوب هرگونه تلاش برای خودمختاری کردها در سوریه و ترکیه بود.

دولت ترکیه همواره تلاش کرده است تا نفوذ حزب کارگران کردستان (پک‌ک) را در منطقه کاهش دهد و هرگونه تلاش کردهای سوریه برای تشکیل یک دولت خودمختار در مرزهای جنوبی ترکیه را مهار کند. ترکیه از بحران سوریه به‌عنوان فرصتی برای تضعیف نیروهای کردی در داخل کشور نیز استفاده کرده است. این مداخلات نظامی باعث شده تا اردوغان و حزب عدالت و توسعه بتوانند حمایت ملی‌گرایان را جلب کرده و با استفاده از لفاظی‌های ضدکردی، در انتخابات و رفراندوم‌های داخلی موفق شوند. در داخل ترکیه، حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) که نماینده کردها است، از سوی دولت به‌عنوان یک تهدید تلقی شده و تحت فشارهای شدیدی قرار گرفت. همچنین، ترکیه تلاش کرد تا با ارتباط دادن HDP به پک‌ک، مشروعیت این حزب را در عرصه سیاسی داخلی کاهش دهد.

به لحاظ نظامی در یک دهه گذشته عملیات‌های نظامی ترکیه در کشورهای همسایه سوریه و عراق عمدتاً معطوف به مقابله با خطر نیروهای کردی بوده است. از سال ۲۰۱۶ تاکنون، ترکیه چهار بار اقدام به عملیات نظامی در شمال سوریه کرده است که شامل موارد زیر می‌شود:

۱. عملیات سپر فرات که در اوت ۲۰۱۶ آغاز شد و تا مارس ۲۰۱۷ ادامه داشت و هدف اصلی آن مقابله با تهدیدات داعش و جلوگیری از گسترش نفوذ گروه‌های کردی به ویژه YPG (یگان‌های مدافع خلق) بود که ترکیه آنها را به عنوان شاخه سوری پک‌ک می‌شناخت. عملیات سپر فرات به تصرف مناطق بزرگی در شمال سوریه، از جمله جرابلس و الباب منجر شد.

۲. عملیات شاخه زیتون که در ژانویه ۲۰۱۸ آغاز شد و هدف آن پاکسازی منطقه عفرین از نیروهای کرد YPG بود. ترکیه این عملیات را به عنوان اقدامی برای مقابله با تهدیدات امنیتی در مرزهای جنوبی خود توجیه کرد.

۳. عملیات چشمه صلح که در اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد و هدف آن تصرف مناطق شمال شرقی سوریه از جمله شهرهای تل ابیض و رأس العین بود. هدف اصلی از این عملیات، علاوه بر مقابله با نیروهای کرد سوریه، ایجاد یک منطقه امن برای بازگشت پناهندگان سوریه به کشورشان بود.

۴. عملیات سپر بهار که در فوریه ۲۰۲۰ در ادلب، آخرین منطقه تحت کنترل مخالفان رژیم بشار اسد، آغاز شد. هدف از این عملیات، محافظت از نیروهای ترکیه در این منطقه و مقابله با تهدیدات گروه‌های تروریستی و نیروهای دولت سوریه بود.

در حالی که سه عملیات اول نیروهای یگان‌های مدافع خلق کرد (YPG) را مورد هدف قرار دادند و از درگیری مستقیم با نیروهای سوریه خودداری کردند، چهارمین مورد با هدف توقف پیشروی سوریه به سمت ادلب صورت گرفت که منجر به درگیری مستقیم با نیروهای سوریه شد.

### آشتی با سوریه

با توجه به این پس زمینه، سیاست آشتی با سوریه دیرتر از سایر تلاش‌های آشتی‌جویانه آغاز شد و با کندترین پیشرفت همراه بود. کل این روند عمدتاً به لطف تغییرات اساسی در سیاست ترکیه در سوریه، که به سال ۲۰۱۶، بازمی‌گردد، امکان‌پذیر شد. اولویت‌های ترکیه در سوریه پس از سقوط حلب به دست نیروهای حامی دولت اسد تغییر کرد. ترکیه علیرغم اصرار کلامی خود مبنی بر کناره‌گیری بشار اسد از قدرت، عملاً از آن زمان سیاست تغییر رژیم در سوریه را کنار گذاشت و در عوض، جلوگیری از پیدایش یک منطقه سیاسی خودمختار کرد در مجاورت خاک خود، توقف موج جدید مهاجرت به ترکیه و احتمالاً بازگرداندن برخی از پناهجویان سوریه در ترکیه را در اولویت قرار

داد. در واقع، هر چهار عملیات نظامی ترکیه از سال ۲۰۱۶ به جای تغییر رژیم یا تضعیف رژیم اسد، یکی از این دو هدف را دنبال می‌کرد.

زمانی که ترکیه شروع به بازسازی روابط خود با دیگر رقبای منطقه‌ای کرد، آشتی با سوریه به عنوان یک احتمال مطرح شد، زیرا پارادایم سیاست جدید ترکیه را رسمیت می‌بخشید. پس از برقراری تماس در سطح اطلاعاتی، برای نخستین بار وزرای دفاع ترکیه و سوریه در مسکو در ۲۸ دسامبر ۲۰۲۲، با یکدیگر دیدار کردند. این اولین دیدار در سطح وزیران بین دو کشور از زمان قطع روابط در سال ۲۰۱۱ بود. پس از این دیدار، اردوغان تمایل خود را برای دیدار با اسد رئیس‌جمهور سوریه ابراز کرد. در واقع، اردوغان با فشار آوردن برای عادی‌سازی سریع روابط با دولت اسد پیش از انتخابات ماه مه ۲۰۲۳، به دنبال به دست آوردن یک پیروزی سیاسی داخلی از طریق رسیدگی به بحران پناهجویان سوری در ترکیه بود. علاوه بر این، اردوغان با طرح موضوع ملاقات با اسد قبل از انتخابات، از پیشنهاد دیرینه مخالفان برای آشتی با رژیم سوریه جلوگیری کرد.

با این حال، اسد با احساس اولویت‌های سیاسی داخلی اردوغان، علیرغم فشار روسیه برای میانجیگری و سازماندهی یک نشست دوجانبه در سطح ریاست جمهوری، به اردوغان آنچه را که می‌خواست، نداد. در عوض، پس از چند بار تعویق و لغو، نشست وزرای خارجه در ۱۰ می با حضور وزرای خارجه روسیه و ایران برگزار شد.

به نظر می‌رسید که اسد در درک این موضوع که اصرار اردوغان بر گفتگوهای دوجانبه به انگیزه سیاست‌های انتخاباتی صورت گرفته، درست می‌گوید. زیرا یک روز پس از پیروزی اردوغان در انتخابات، ابراهیم کالین، سخنگوی اردوغان، اعلام کرد که انتظار نمی‌رود چنین دیداری به این زودی‌ها برگزار شود. تا یک سال بعد نیز اردوغان این موضوع را مطرح نکرد، اما اردوغان در ژوئن و ژوئیه ۲۰۲۴، تحت فشار نارضایتی فزاینده عمومی از پناهندگان، بار دیگر تمایل خود را برای دیدار با اسد و دستیابی به عادی‌سازی کامل روابط با سوریه ابراز کرد. با این حال، درخواست‌های مکرر

وی که با یادآوری تعطیلات خانوادگی آنها در گذشته همراه بود، نتوانست اسد را متقاعد کند که با او ملاقات کند. اسد برای این دیدار دو پیش شرط داشت: پایان حمایت نظامی و سیاسی ترکیه از مخالفان سوریه و خروج نیروهای ترکیه از خاک سوریه. برآورده شدن این خواسته‌ها عملاً به معنای تسلیم کامل ترکیه بود.

بازگرداندن پناهجویان سوریه به سرزمین‌های تحت اشغال ترکیه به عنوان تنها راه عملی برای کاهش تعداد پناهندگان، به ترکیه اجازه می‌داد تا از نظر جمعیتی به مناطق کردنشین نفوذ کند و به تضعیف خودمختاری سیاسی کردها در شمال سوریه کمک کند. در واقع، ترکیه نه تنها تلاش می‌کرد تا مناطق خاصی را تحت اشغال نگه دارد، تا سیاست مهندسی جمعیت‌شناختی خود را دنبال کند، بلکه به دنبال گسترش مستمر کنترل ارضی خود در امتداد مرز ترکیه و سوریه بود. بنابراین، این واقعیت که ترکیه اهداف گسترده‌تری را از تلاش‌های آشتی‌جویانه با سوریه دنبال می‌کرد، تردیدهای جدی را در مورد تداوم این تلاش‌ها ایجاد می‌کرد.

بهبود تدریجی روابط ترکیه و سوریه می‌توانست دمشق را برای اتخاذ موضع قاطعانه‌تری علیه کردها در سوریه تقویت کند. در شرایطی که اعتبار چتر حفاظتی آمریکا برای کردها تضعیف شده بود، در کوتاه مدت، روند آشتی میان ترکیه و سوریه تنها در مسیر اتحاد ضد کردی امکان پیشرفت داشت و احتمالاً می‌توانست چالش‌های بیشتری برای غرب و به ویژه ایالات متحده ایجاد کند.

با سقوط دولت اسد به دست نیروهای مورد حمایت ترکیه در ۸ دسامبر، به نظر می‌رسد مشکل پناهجویان سوریه برای ترکیه تا حدود زیادی مرتفع شده باشد، اما مسئله کردها همچنان یک مسئله جدی در سوریه باقی خواهد ماند. نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) که به طور عمده از کردها تشکیل شده است، پس از پیشروی نیروهای مورد حمایت ترکیه مجبور به واگذاری قلمرو و عقب‌نشینی به شرق رود فرات شده‌اند که خواسته دیرینه ترکیه بوده است. نیروهای ضعیف شده SDF همچنین امتیازات تاکتیکی به رهبران جدید در دمشق، که اکنون ترکیه نفوذ بیشتری بر آنها

دارد، داده‌اند. به عنوان مثال، آن‌ها پرچم انقلابی را در مناطقی که کنترل می‌کنند، به نشانه تسلیم در برابر مقامات مرکزی، برافراشته‌اند. این‌ها نشان‌دهنده وضعیت شکننده SDF است و اینکه احتمالاً روزهای خودمختاری منطقه‌ای این نیروها به‌ویژه با توجه به عدم قطعیت در مورد حمایت ایالات متحده در دوران پیش‌رو با ریاست ترامپ، به پایان نزدیک می‌شود. اظهارات اخیر مقامات آمریکایی و اروپایی که نگرانی‌های مشروع امنیتی ترکیه از تهدید تروریسم را به رسمیت می‌شناسند، در آنکارا با استقبال روبرو شده است.<sup>۱۳</sup>

## انرژی و سیاست خارجی

طی دو دهه گذشته موضوع انرژی نقشی محوری در سیاست خارجی و منطقه‌ای ترکیه پیدا کرده است. طی این سال‌ها، نیازهای انرژی آنکارا به طور مداوم در حال افزایش بوده و پیش‌بینی می‌شود که این نیازها حداقل تا سال ۲۰۳۵ به روند صعودی خود ادامه دهند. با توجه به این‌که ترکیه دارای منابع طبیعی اثبات شده برای تامین نیازهای انرژی خود نیست و تقریباً تمام انرژی مصرفی خود را وارد می‌کند، این اتکا به واردات انرژی باعث ایجاد محدودیت‌های اقتصادی و امنیتی برای آنکارا شده است. در بعد اقتصادی، تصمیمات استراتژیک برای تنوع بخشیدن به بازار انرژی ترکیه بر جهت و سرعت توسعه اقتصادی این کشور تأثیر می‌گذارد. در بعد امنیتی، وابستگی به انرژی خارجی، ترکیه را در معرض شوک‌های خارجی قرار می‌دهد و آسیب‌پذیری‌هایی را برای این کشور ایجاد می‌کند که موقعیت بین‌المللی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برای چندین دهه، دولت‌های متوالی در حال بررسی راه‌هایی برای تنوع بخشیدن به سبد انرژی کشور با هدف تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه و قابل اعتماد بوده‌اند. از نظر خارجی، تلاش برای تنوع بخشی، آنکارا را به ایجاد طیف گسترده‌ای از مشارکت‌های بین‌المللی و حفظ روابط با خریداران غربی صادرات ترکیه و تامین کنندگان کلیدی انرژی، از جمله روسیه و

کشورهای همسایه نزدیک ترکیه، سوق داده است. علاوه بر این، آنکارا دیپلماسی انرژی خود را در پس زمینه استراتژی ژئوپلیتیکی گسترده‌تر برای تقویت موقعیت ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بر اساس موقعیت و ارتباطات جغرافیایی خود دنبال می‌کند. در قلب این استراتژی، یک طرح بزرگ برای ایجاد ترکیه به عنوان یک قطب اصلی گاز طبیعی است که این کشور را در مرکز تجارت انرژی منطقه‌ای قرار می‌دهد.

این سیاست پیامدهایی برای روابط آنکارا با همسایگان نزدیک و دورتر خود داشته است. ترکیه توسط کشورهای غنی از انرژی احاطه شده است و یکی از اهداف اصلی آن هنگام نزدیک شدن به آنها، ایجاد شرایط برای جریان پیوسته منابع انرژی - به طور معمول گاز طبیعی و نفت - است. این هدف می‌تواند به توسعه مشارکت‌های اقتصادی بادوام مانند آذربایجان، ترکمنستان و ایران منجر شود. اما همچنین می‌تواند جرعه درگیری‌هایی با درجات مختلف از جمله با همسایگان مدیترانه شرقی ترکیه و عراق را ایجاد کند. فراتر از همسایگی نزدیک خود، دیپلماسی گاز آنکارا برای روابط با روسیه - که ترکیه با آن روابط انرژی خود را فراتر از هیدروکربن‌ها تقویت می‌کند - و با اروپا نیز پیامد دارد. در سمت تقاضای معادله بازار گاز طبیعی آنکارا، کشورهای اروپایی قرار دارند که در کوتاه مدت و میان مدت تشنه هیدروکربن‌های غیر روسی و در بلندمدت برای انرژی سبز هستند. ترکیه این پتانسیل را دارد که هر دو را فراهم کند.

توقف تجارت احتمالاً از آغاز همکاری انرژی بین دو کشور که در سال ۲۰۲۳ (یعنی قبل از شروع جنگ بین اسرائیل و حماس) اعلام شده بود، جلوگیری می‌کند، زیرا برنامه‌های آنها برای ابتکارات مشترک برای استخراج گاز از میدین گازی اسرائیل و انتقال آن به بازارهای غربی از طریق شبکه خط لوله گاز ترکیه را تضعیف می‌کند.<sup>۱۴</sup>

## روابط با جمهوری اسلامی ایران

بر خلاف روابط با عربستان، امارات، اسرائیل و حتی سوریه که هر کدام به نحوی با مسائل داخلی و اقتصادی ترکیه پیوند خورده بودند، روابط ترکیه با ایران نه تأثیر چشمگیری بر شرایط اقتصادی این کشور دارد و نه معادلات سیاست داخلی در ترکیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روابط تجاری دو کشور در طول دو دهه گذشته یک روند نزولی را طی کرده است پس از بروز انقلاب‌های عربی و به ویژه بحران سوریه، در حالی که رقابت ترکیه با محور عربستان و امارات به کل منطقه گسترش پیدا کرد، رویارویی با ایران، به عنوان رهبر یک قطب دیگر، به سوریه و تا حدودی عراق محدود شد. در سوریه، آنکارا و تهران به ترتیب از مخالفان و رژیم حمایت کردند. با این حال، آنها اجازه ندادند رقابت در سوریه منجر به فروپاشی کامل روابط موجود شود و با وجود تمامی اختلاف نظرها، در چارچوب روند آستانه که توسط روسیه در دسامبر ۲۰۱۶ ایجاد شد، تلاش کردند تا سطح بحران در سوریه را مدیریت کنند. در عراق نیز علیرغم وجود منافع متفاوت و رقابت برای نفوذ، دو کشور موفق شدند از رویارویی مستقیم و آشکار خودداری کنند. ترکیه همچنین خروج دولت ترامپ در ماه مه ۲۰۱۸ از برنامه جامع اقدام مشترک یا توافق هسته‌ای ایران را "گامی ناگوار" دانست و به گفت‌وگو و همکاری با ایران ادامه داد.<sup>۱۵</sup>

سینان اولگن، مدیر مرکز تحقیقات اقتصادی و سیاست خارجی، در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی ترکی تأکید کرد که هر دو قدرت منطقه‌ای در برخورد با منافع یکدیگر با احتیاط عمل می‌کنند. اولگن گفت: «[وضعیت سوریه] تغییری بنیادین در مدل‌های روابط ترکیه و ایران به همراه نخواهد داشت... رقابت برای نفوذ همیشه وجود داشته و همچنان ادامه خواهد داشت.»<sup>۱۶</sup>

دکتر هزار وورال جین اشاره می‌کند که روابط ترکیه و ایران بر اساس اصول کلی «همسایگی خوب» شکل گرفته و این دو کشور نمی‌توانند به یکدیگر «پشت کنند». او با اشاره به بحران‌های پیشین میان ایران و ترکیه گفت که مشکلات در یک طرف، بر طرف دیگر نیز تأثیر می‌گذارد: «این

دو کشور، دو همسایه‌ای هستند که هیچ‌گاه نمی‌توانند از گفت‌وگوی سطح بالا و ارتباط مداوم چشم‌پوشی کنند. زیرا هر دو قدرت‌های تثبیت‌شده‌ای در منطقه هستند، در یک جغرافیای مشترک نقش‌آفرینی می‌کنند و رقبای منطقه‌ای یکدیگر هستند.»

## نتیجه‌گیری

با وجود فراز و نشیب‌های رویکرد ترکیه، سیاست منطقه‌ای این کشور همواره بر اساس دکترین «عمق استراتژیک» هدایت شده است. این دکترین بر بهره‌برداری از تاریخ و جغرافیای ترکیه برای ایجاد حوزه نفوذ ترکیه در همسایگی خود تأکید دارد، به‌گونه‌ای که این کشور بتواند به‌عنوان یک قدرت چندمنطقه‌ای ظاهر شود و به جایگاه یک قدرت میانی دست یابد.

با این حال، سیاست منطقه‌ای ترکیه، با وجود ماهیت نخبگانی خود، به شدت تحت تأثیر ملاحظات سیاسی داخلی قرار دارد. هرچند ترکیه بر مبنای شاخص‌های غربی به‌عنوان یک دموکراسی کامل طبقه‌بندی نمی‌شود، اما معمولاً از آن به‌عنوان یک نظام اقتدارگرای رقابتی یاد می‌شود؛ به این معنا که انتخابات همچنان نقش مهمی در سیاست این کشور دارد. اردوغان سابقه‌ای قابل توجه در پیروزی‌های پی‌درپی انتخاباتی دارد، اما همواره به یک اکثریت شکننده متکی بوده است. در انتخابات ریاست‌جمهوری می ۲۰۲۳، او نتوانست در دور اول پیروز شود و در دور دوم با تنها ۵۲ درصد آرا به پیروزی رسید. علاوه بر این، در انتخابات محلی ۲۰۲۴، حزب عدالت و توسعه برای اولین بار از زمان تأسیسش در سال ۲۰۰۱ در رتبه دوم قرار گرفت و زنگ خطرهایی درباره آینده سیاسی اردوغان به صدا درآمد.

نتایج انتخابات سیاسی در ترکیه در چند دهه اخیر به شدت متأثر از وضعیت اقتصادی از یک سو و تحولات منطقه‌ای از سوی دیگر بوده است. در حالی که روند همگرایی منطقه‌ای ترکیه در دهه ۲۰۰۰ نتایج نسبتاً قابل قبولی برای این کشور و حتی منطقه داشت، بروز انقلاب‌های عربی در آغاز

دهه ۲۰۱۰ مسیر سیاست منطقه‌ای ترکیه را به سمت سیاست‌های تهاجمی سوق داد و منجر به تشدید تنش میان این کشور و برخی کشورهای مهم عربی مانند مصر، عربستان سعودی و امارات شد.

به طور متقابل بحران در سوریه که مشخصاً برجسته‌ترین محصول انقلاب‌های عربی برای ترکیه بود، تاکنون به دلیل مسئله پناهجویان سوری و تشدید مسئله کردی نتایج و تأثیرات متناقضی بر سیاست داخلی و خارجی ترکیه داشته است. حضور بیش از سه میلیون پناهجوی سوری در ترکیه علاوه بر پیامدهای اجتماعی و فرهنگی، وضعیت شکننده اقتصادی در داخل را تحت تأثیر قرار داد و حل و فصل آن را به یکی از مهمترین عناصر سیاست ترکیه در قبال سوریه تبدیل کرد. نگرانی از تهدیدات کردی نیز باعث شده تا اردوغان و حزب عدالت و توسعه از یک سو بتوانند حمایت ملی‌گرایان را جلب کرده و با استفاده از لفاظی‌های ضدکردی در انتخابات و رفتارندوم‌های داخلی موفق شوند و از سوی دیگر، حزب دموکراتیک خلق‌ها به عنوان نماینده کردها را تحت فشارهای شدید قرار دهند.

با توجه به این پیوندها، به طور کلی تغییر موضع ترکیه در قبال مسئله کردی بدون تغییر در پویایی قدرت داخلی بسیار بعید به نظر می‌رسد و تضعیف و حذف نهایی خودمختاری سیاسی کردها در سوریه یک اولویت استراتژیک برای ترکیه باقی خواهد ماند. اگرچه ترکیه در سال‌های گذشته به طور یکجانبه به دنبال دستیابی به این هدف بوده است، اما با سقوط دولت اسد و استقرار گروه‌های مورد حمایت ترکیه در دمشق این روند هم پیچیده‌تر خواهد بود و هم ممکن است سهل ممتنع باشد.

علاوه بر این، مداخلات ترکیه در سوریه وجهه و نقش بین‌المللی آنکارا را تقویت کرده است. این مداخلات جایگاهی را برای ترکیه بر سر میز مذاکره با روسیه و ایالات متحده تضمین کرده است و

این کشور را به‌عنوان یک قدرت واسطه‌ای، به یک شریک ضروری برای مسکو و واشنگتن در جهت دستیابی به توافقات مؤثر در منطقه تبدیل کرده است.

رکود اقتصادی بعد از همه‌گیری کووید ۱۹ و کاهش شدید ارزش لیر و افزایش تورم نیز به نوبه خوبه خود تاثیر مستقیمی بر سیاست منطقه‌ای ترکیه داشته است. به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد انتظارات اقتصادی محرک کلیدی در تلاش‌های آشتی منطقه‌ای ترکیه در چند سال اخیر بوده و تا حدودی پیشرفت سریع روند آشتی با امارات و عربستان سعودی را در مقایسه با سرعت کمتر آشتی با سوریه، مصر و اسرائیل توضیح می‌دهد. این نه تنها به این دلیل است که این کشورها اقتصاد بزرگی ندارند، بلکه به این دلیل است که در روابط ترکیه با مصر و اسرائیل مسائل سیاسی از مسائل اقتصادی تفکیک شده بود و در طول دوره اختلاف آسیب جدی ندید.

در زمان منتهی به انتخابات مه ۲۰۲۳ در ترکیه، هر دو کشور عربستان و امارات دست کمک اردوغان را رد نکردند، اما این کمک‌ها در سطحی نبود که پیروزی انتخاباتی اردوغان را تضمین کند. علاوه بر این، ۵ میلیارد دلاری که هر دو کشور به بانک مرکزی ترکیه ارائه کردند، چه در قالب قراردادهای سوآپ یا وام، در مقایسه با قراردادهای مشابهی که ترکیه با روسیه، قطر و چین بسته است، چندان بزرگ نیستند. بنابراین، می‌توان گفت که تلاش‌های آشتی با دو کشور خلیج فارس تنها تا حدی انتظارات را در کوتاه‌مدت برآورده کرده است.

در بحث سرمایه‌گذاری در حالی که امارات وعده‌های قابل توجهی برای سرمایه‌گذاری در ترکیه داده است و حداقل ۱۰ میلیارد دلار متعهد شده است، عربستان سعودی تاکنون از تعهد در این زمینه خودداری کرده است. با این حال، غیرمعمول نیست که کشورهای حوزه خلیج فارس ارقام بزرگی را برای اهداف سیاسی مطرح کنند، اما اغلب تنها بخش کوچکی از این سرمایه‌گذاری‌ها محقق می‌شود. این موضوع در مورد قطر - متحد دیرینه ترکیه - نیز صادق است که هرگز سرمایه‌گذاری‌های این کشور با اعداد بالایی که وعده داده بود مطابقت نداشته است. کشورهای

حوزه خلیج فارس تا حدی به دلیل تردید در مورد تعهد اردوغان به عقلانیت اقتصادی محتاط هستند. می‌توان نتیجه گرفت که حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس از اردوغان قابل توجه اما محتاطانه است. اینکه آیا تلاش‌های آشتی می‌تواند در بلندمدت ادامه یابد یا نه، حداقل تا حدی توسط سطح همکاری اقتصادی بلندمدت تعیین خواهد شد.<sup>۱۷</sup>

وجه دیگر پیوند میان مسائل سیاست داخلی، سیاست منطقه‌ای و اقتصادی، با وجود تمایل اردوغان برای حفظ تلاش‌ها در راستای عادی‌سازی روابط با اسرائیل، او به دلیل حمایت از مسئله فلسطین ناگزیر به فاصله گرفتن از این مسیر شده است. این تغییر موضع، تا حد زیادی به دلیل رقابت‌های داخلی و اتخاذ آشکار موضع فلسطینی از سوی رقبای سیاسی‌اش بوده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اردوغان در روزهای ابتدایی درگیری‌ها خواستار خویشتن‌داری شد، اما در نهایت مسیر خود را تغییر داد. برخلاف سال‌های گذشته، امروز طیف گسترده‌ای از احزاب برای کسب آرای قشر محافظه‌کار سنتی در فضای سیاسی داخلی ترکیه رقابت می‌کنند. طی دو دهه گذشته، حزب عدالت و توسعه اصلی‌ترین نماینده این قشر بوده و تنها حزب دیگری که تا حدودی قدرت داشت، حزب سعادت (SP) بود که یا به پارلمان راه نمی‌یافت یا تنها با یکی دو نماینده در آن حضور داشت. اما امروز، علاوه بر AKP، چهار حزب دیگر با گرایش‌های اسلام‌گرایانه و محافظه‌کار در پارلمان ترکیه حضور دارند: حزب هدا-پار (حزب مطالبه آزاد)؛ حزب رفاه نوین؛ حزب آینده؛ و حزب سعادت. در جریان آخرین درگیری‌ها، هر چهار حزب مسئله فلسطین را برجسته کرده‌اند که باعث موضع نارضایتی اردوغان شده و او را مجبور کرده موضع واضح‌تری اتخاذ کند. این امر روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل را با چالش مواجه کرده است.

- <sup>1</sup>Balta, E. (2024, July 9). Normalizing transactionalism: Turkish foreign policy after the 2023 elections. Middle East Institute. Retrieved from <https://www.mei.edu/publications/normalizing-transactionalism-turkish-foreign-policy-after-2023-elections>
- <sup>2</sup>Fouskas, V. Economic drivers of Turkey's foreign policy and the issue of "strategic autonomy" (sub-imperialism). CATS-Policy-Paper. Retrieved from <https://repository.uel.ac.uk/item/8vwqw>
- <sup>3</sup>Altunışık, M. B. (2020). The new turn in Turkey's foreign policy in the Middle East: Regional and domestic insecurities. Istituto Affari Internazionali (IAI). Retrieved from <https://www.iai.it/en/publicazioni/new-turn-turkeys-foreign-policy-middle-east-regional-and-domestic-insecurities>.
- <sup>4</sup>Shlykov, P. (2024, February 15). Competitive multipolarity in the Middle East and the role of Turkey. Valdai Club. Retrieved from <https://valdaiclub.com/a/highlights/competitive-multipolarity-in-the-middle-east/>
- <sup>5</sup>.Shlykov, Ibid
- <sup>6</sup>Çevik, S. (2024). Turkey's reconciliation efforts in the Middle East: Ambitions and constraints in a changing regional order. SWP Research Papers 15/2024. Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP), German Institute for International and Security Affairs.
- <sup>7</sup>Ibid.
- <sup>8</sup>Ibid.
- <sup>9</sup> Ibid.
- <sup>10</sup> Lindenstrauss, G., & Daniel, R. (2024, May 19). Turkish–Israeli relations at a dangerous turning point. INSS Insight No. 1853. Retrieved from <https://www.inss.org.il/publication/turkey-israel-low/>
- <sup>11</sup>Michalski, A., & Matusiak, M. (2024, May 7). Turkey severs its trade relations with Israel. OSW (Centre for Eastern Studies). Retrieved from <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/analyses/2024-05-07/turkey-severs-its-trade-relations-israel>
- <sup>12</sup>Turkish Minute. (2024, October 4). Data suggest Turkish goods find their way to Israel via Palestine amid trade ban. Retrieved from <https://www.turkishminute.com/2024/10/04/data-suggest-turkish-good-find-their-way-to-israel-via-palestine-amid-trade-ban/>
- <sup>13</sup>Coşkun, A. (2024, December 20). Türkiye has a wish list in Syria. It should tread lightly. Carnegie Endowment for International Peace. Retrieved from <https://carnegieendowment.org/emissary/20/12/turkey-syria-goals-pkk-refugees-rivals-tread-lightly?lang=en>
- <sup>14</sup>Siccardi, F. (2024). Understanding the energy drivers of Turkey's foreign policy. Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/research/2024/02/understanding-the-energy-drivers-of-turkeys-foreign-policy?lang=en&center=europe>
- <sup>15</sup>Altunışık, M. B. (2020). The new turn in Turkey's foreign policy in the Middle East: Regional and domestic insecurities. Istituto Affari Internazionali (IAI). Retrieved from <https://www.iai.it/en/publicazioni/new-turn-turkeys-foreign-policy-middle-east-regional-and-domestic-insecurities>
- <sup>16</sup>BBC Persian. (n.d.). Retrieved from <https://www.bbc.com/persian/articles/cvg744kryddo>
- <sup>17</sup>Çevik, Salim, 2024